

سر نوشت مرد گمشده در ترکیه بر ملا می شود

آرمن بینا

باز پرس جنایی به مأموران اینترپل دستور داد درباره سر نوشت مرد گمشده‌ای که خانواده‌اش ادعا می‌کنند وی در کشور ترکیه ناپدید شده‌است، تحقیق کنند.

اواخر هفته گذشته زن میانسالی به اداره پلیس تهران رفت و از گم شدن ناگهانی شوهرش شکایت کرد.

زن میانسال در توضیح ماجرا گفت: «شوهرم کامران تا ۱۰ سال قبل در بازار تهران کار می‌کرد. او در کار پوشاک و پارچه فعالیت می‌کرد و مغازه‌ای هم در بازار داشت. کار و کاسبی‌اش خوب بود و ما هم راضی بودیم اما ۱۰ سال قبل تصمیم گرفت برای کار به ترکیه برود. او دوست داشت به صورت خانوادگی به کشور ترکیه یا یکی از کشورهای اروپایی مهاجرت کنیم. کامران می‌گفت خارج از کشور در آمدش بیشتر از ایران است و خیلی زود در کارش پیشرفت می‌کند و زودتر به آرزوهایش می‌رسد. من خیلی راضی نبودم، اما وقتی او اصرار کرد، قبول کردم و ۹ سال قبل کامران برای کار به صورت قانونی به ترکیه رفت. در کشور ترکیه همان شغل قبلی‌اش را ادامه داد و در کار پوشاک و پارچه بود و حتی برای دوستانش در همین صنف پارچه و لباس از ترکیه می‌فرستاد. او همیشه با من فرزند نام به صورت تلفنی در ارتباط بود و هزینه زندگی ما را هم می‌فرستاد و از کار و بارش هم تعریف می‌کرد و قرار بود ما را هم به زودی به ترکیه ببرد. مدتی قبل به ما خبر داد که زودی به ایران بر می‌گردد و ما را هم همراه خودش به ترکیه برد و در آنجا ساکن می‌شود. چند روز بعد ناگهان ارتباطش با ما قطع شد و از آنجایی که در این مدت ۹ سال پیش آمده‌بود مدتی ارتباطش با ما قطع شد، خیلی نگران شدیم و احتمال دادیم محل کارش را تغییر داده یا مشکلی برای او پیش آمده‌است. تصور می‌کردم به زودی با ما تماس می‌گیرد، اما چشم‌انتظاری ما پایان نیافت و او دیگر با من تماسی نگرفت. پس از این، از طریق دوستان و بستگانش خیلی تلاش کردیم ردی از همسر پیدا کنیم، اما تلاش‌های ما نتیجه‌ای نداد. الان احتمال می‌دهم او در راه بازگشت به ایران برایش اتفاقی رخ داده‌است و درخواست کمک در ترکیه کردیم. ما با این احتمال مواجه شدیم که او در راه بازگشت قاضی حمیدرضا کایستی، باز پرس شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های ما نشان داد کامران ۹ سال قبل به صورت قانونی از ایران به ترکیه می‌رود و در این مدت هم در ترکیه مشغول به کار بوده‌است. از سوی دیگر مأموران پس از اعلام از مرکز پلیس دریافت‌کردند که کامران به ایران نیت نشده‌است، بنابراین این فرضیه برای مأموران قوت گرفت به احتمال زیاد در میانسال در کشور ترکیه گم شده‌است.

با به دست آمدن این اطلاعات، باز پرس جنایی به پلیس اینترپل دستور داد با هماهنگی پلیس ترکیه، تحقیقات خود را درباره سر نوشت مرد گمشده آغاز کنند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

اواخر هفته گذشته زن میانسالی به اداره پلیس تهران رفت و از گم شدن ناگهانی شوهرش شکایت کرد. زن میانسال در توضیح ماجرا گفت: «شوهرم کامران تا ۱۰ سال قبل در بازار تهران کار می‌کرد. او در کار پوشاک و پارچه فعالیت می‌کرد و مغازه‌ای هم در بازار داشت. کار و کاسبی‌اش خوب بود و ما هم راضی بودیم اما ۱۰ سال قبل تصمیم گرفت برای کار به ترکیه برود. او دوست داشت به صورت خانوادگی به کشور ترکیه یا یکی از کشورهای اروپایی مهاجرت کنیم. کامران می‌گفت خارج از کشور در آمدش بیشتر از ایران است و خیلی زود در کارش پیشرفت می‌کند و زودتر به آرزوهایش می‌رسد. من خیلی راضی نبودم، اما وقتی او اصرار کرد، قبول کردم و ۹ سال قبل کامران برای کار به صورت قانونی به ترکیه رفت. در کشور ترکیه همان شغل قبلی‌اش را ادامه داد و در کار پوشاک و پارچه بود و حتی برای دوستانش در همین صنف پارچه و لباس از ترکیه می‌فرستاد. او همیشه با من فرزند نام به صورت تلفنی در ارتباط بود و هزینه زندگی ما را هم می‌فرستاد و از کار و بارش هم تعریف می‌کرد و قرار بود ما را هم به زودی به ترکیه ببرد. مدتی قبل به ما خبر داد که زودی به ایران بر می‌گردد و ما را هم همراه خودش به ترکیه برد و در آنجا ساکن می‌شود. چند روز بعد ناگهان ارتباطش با ما قطع شد و از آنجایی که در این مدت ۹ سال پیش آمده‌بود مدتی ارتباطش با ما قطع شد، خیلی نگران شدیم و احتمال دادیم محل کارش را تغییر داده یا مشکلی برای او پیش آمده‌است. تصور می‌کردم به زودی با ما تماس می‌گیرد، اما چشم‌انتظاری ما پایان نیافت و او دیگر با من تماسی نگرفت. پس از این، از طریق دوستان و بستگانش خیلی تلاش کردیم ردی از همسر پیدا کنیم، اما تلاش‌های ما نتیجه‌ای نداد. الان احتمال می‌دهم او در راه بازگشت به ایران برایش اتفاقی رخ داده‌است و درخواست کمک در ترکیه کردیم. ما با این احتمال مواجه شدیم که او در راه بازگشت قاضی حمیدرضا کایستی، باز پرس شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های ما نشان داد کامران ۹ سال قبل به صورت قانونی از ایران به ترکیه می‌رود و در این مدت هم در ترکیه مشغول به کار بوده‌است. از سوی دیگر مأموران پس از اعلام از مرکز پلیس دریافت‌کردند که کامران به ایران نیت نشده‌است، بنابراین این فرضیه برای مأموران قوت گرفت به احتمال زیاد در میانسال در کشور ترکیه گم شده‌است.

با به دست آمدن این اطلاعات، باز پرس جنایی به پلیس اینترپل دستور داد با هماهنگی پلیس ترکیه، تحقیقات خود را درباره سر نوشت مرد گمشده آغاز کنند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

زن اسیدپاش به دادسرا احضار شد

زن جوانی که متهم است با پاشیدن مایع اسیدی یکی از ساکنان ستان ساختمان محل زندگی‌اش را مسموم کرده برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران احضار شد.

زندگی روز قبل ۵۰ ساله‌ای در تهران به اداره پلیس رفت و از زن همسایه‌اش به نام رویا به اتهام اسیدپاشی شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «همراه خانواده‌ام در ساختمان مسکونی در یکی از خیابان‌های جنوب تهران زندگی می‌کنم. مدتی است با زن یکی از همسایه‌ها که در طبقه پایین‌تر می‌زندگی می‌کنند، اختلاف پیدا کرده‌ام. زن همسایه دوست دارد در کار همه دخالت کند. او حتی به اشتغال بردن و رفت و آمد میهمان هم اعتراض می‌کند. مثلا چند شب قبل صدای تلویزیون زیاد بود و در خانه ما آمد و با من مناجره لفظی کرد و در اینکته فحاشی کرده، به خانه‌اش رفت. اختلاف ما روز به روز بیشتر می‌شد و من هم نمی‌خواستم در مقابل زور گوئی‌های او کوتاه بیایم. اما فکر نمی‌کردم روزی او روی بدن من مایع اسیدی پاشد. دخالت‌ها و درگیری‌های رویا با من ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل من میهمان داشتم و وقتی میهمان‌هایم از خانه رفتند او به در خانه ما آمد و به رفت و آمدهای من اعتراض کرد. همین موضوع باعث مناجره لفظی ما شد و وقتی درگیری ما بالا گرفت، ناگهان بطری از زیر لباس بیرون آورد و مایع داخل آن را به طرف من پاشید. یک لحظه دست و پا و بدنم سرد شد. اما ناتی‌های بعد سوزش عجبی دست و پا و بدنم را فراگرفت، به طوری که طاقتم را برید و فریادهای «ای سوختم» من در ساختمان پیچید. رویا بدین این صحنه فرار کرد و همسایه‌های دیگر هم با شنیدن فریادهای او سوختم و کمک‌خواهی برای من شدند. بیرون آمدند و به سرعت با اورژانس تماس گرفتند و مرا برای درمان به بیمارستان منتقل کردند. من در بیمارستان بستری شدم و پس از بهبودی نسبی به خانه‌ام آمدم. الان از زن همسایه به اتهام اسیدپاشی که باعث آسیب‌های شدید سوختگی روی دست و پا و بدنم شده‌است، شکایت دارم.»

با شکایت زن میانسال، قاضی عظیم سهرابی، باز پرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی به مأموران دستور داد زن همسایه را برای تحقیقات و روشن شدن صحت و سقم ادعای شاکتی به دادسرا احضار کنند. تحقیقات درباره این حادثه از سوی مأموران ادامه دارد.



آمین آهویی | استانبول

خسارت کلان در آتش‌سوزی بزرگ در بازار شادآباد

غلامرضا مسکنی

آتش‌سوزی بزرگ در بازار آتش‌سوزی در بازار پارسیان در ضلع غربی بازار آهن شادآباد تهران احتمالا به دلیل بی احتیاطی هنگام جوشکاری اتفاق افتاده‌است. این حادثه خسارت مالی کلانی بر جای گذاشت.

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران درباره آتش‌سوزی بازار آهن شادآباد گفت: ساعت ۱۴:۰۷ بعد از ظهر دیروز به آتش‌نشانی تلفنی خبر رسید بازار آهن شادآباد تهران دچار آتش‌سوزی شده‌است. وقتی تیم‌های آتش‌نشانی به محل حادثه رسیدند مشاهده کردند یکی از بازارچه‌های این منطقه که شامل تعداد زیادی انبار و مغازه است، دچار حریق شده و مواد بسیار خطرناک در حال انفجار و گسترش آتش هستند.

همان ابتدا مشخص شد مغازه‌هایی که ظروف چسب با حجم زیادی داخل آن انباشته شده و دچار آتش‌سوزی شده‌اند، هر لحظه هم به شدت دامنه آتش افزوده می‌شود. در این آتش‌سوزی چند انبار که با مصالح موقت ساخته شده‌بودند، در همان لحظات اولیه در آتش سوخته‌بودند.

وی افزود: همچنین آتش‌نشانی مشاهده کردند چندین خودروی سواری و وانت نیز در دل آتش شعله‌ور هستند. در این آتش‌سوزی تیم‌های عملیاتی ۱۱ ایستگاه حضور پیدا کردند و خوشبختانه آتش‌سوزی را مهار کردند. وی در گفت‌وگو با خبرنگار ما در آخرین

لحظات تنظیم این گزارش اعلام کرد

متأسفانه هنوز آتش‌سوزی به صورت کامل خاموش نشده و آتش‌نشانی فقط در تلاشند مانع سرایت شعله‌های آتش به مغازه‌های دیگر شوند و از مصدومان فوتی‌های این حادثه تا خاموش شدن کامل آتش‌سوزی اطلاعی در دست نیست. به گفته وی علت حادثه هم پس از خاموش شدن آتش از سوی کارشناسی بررسی و اعلام می‌گردد.

یکی از شاهدان عینی حادثه آتش‌سوزی به خبرنگار ما گفت: «من از کاسبان بازار آهن شادآباد هستم و مغازه‌ام در نزدیکی محل آتش‌سوزی است. محل آتش‌سوزی بازار بزرگ پارسیان است که در ضلع غربی بازار آهن قرار دارد. در این بازار بیشتر مغازه‌ها چسب، لوازم مربوط به استخر و لوله پلیکا

می‌فروشند. آنطور که من متوجه شدم یکی در مغازه‌ها در حال جوشکاری بوده که براده‌های جوشکاری روی ظرف چسب یک دو سه می‌ریزد و ظرف چسب به سرعت شعله‌ور می‌شود. از آنجایی که داخل مغازه مقدار زیادی چسب نگهداری می‌شد آتش خیلی زود همه مغازه را در بر می‌گیرد و سپس به مغازه بغلی که آن مغازه هم چسب و لوله پلیکا می‌فروشد، سرایت می‌کند و لحظاتی بعد از آنجا به مغازه دیگر هم سرایت می‌کند

به طوری که ما ناگهان متوجه آتش‌سوزی و صدای انفجار از بازار شدیم.»

وی ادامه داد: آتش‌سوزی خیلی حجیم بود و شعله‌های آن هم به آسمان بلند شده‌بود که آتش‌نشانی رسیدند. من از کاسبان محل شنیدم تعدادی در این حادثه مصدوم شده‌اند، اما نمی‌دانم صحبت آنها درست یا غلط است.

درخواست اشد مجازات برای سارقان فرش‌های نفیس

۲۵ میلیارد تومان سرقت کرده‌اند.

یک اشتهابه مأموران در ادامه با بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه‌ها و اطراف آن در یافتند سارقان در تیم‌های چهار و پنج نفره و به صورت سریالی به خانه‌های افراد مجازات کرده و سارقان به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شوند.

اولین تابستان ۱۴۰۱ به مأموران پلیس تهران خبر رسید سارقانی به خانه‌ای در شمال تهران دستبرد زده‌اند و علاوه بر سرقت طلا و پول، یک تخته فرش نفیس به ارزش ۵ میلیارد تومان هم سرقت کرده‌اند.

وقتی مأموران به محل حادثه رفتند، شاکتی گفت: «چند روزی همراه خانواده‌ام به مسافرت رفته بودم تا اینکه ساعتی قبل به خانه برگشتم، قفل در خانه تخریب شده بود که فهمیدیم سارق یا سارقانی به خانه‌مان دستبرد زده‌اند. وقتی وارد خانه شدم، بلافاصله به محل گاو صندوق که در اتاق خواب مخفی کرده بودم، رفتم و دیدم سارقان در گاو صندوق را باز کرده و ۲ میلیارد تومان پول و طلای داخل آن را برده‌اند. آنها همچنین یک تخته فرش نفیس به ارزش ۵ میلیارد تومان هم سرقت کرده‌اند.»

سارقان ۲۵ میلیارد تومانی با شکایت مرد جوان، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی مصطفی تقی‌زاده، باز پرس شعبه پنجم دادسرای سوختم و ویژه سرقت برای شناسایی سارقان وارد عمل شدند.

همزمان با ادامه تحقیقات، مأموران با سرقت‌های مشابه دیگری روبه‌رو شدند که در یکی از سرقت‌ها مشخص شد سارقان از خانه مرد تاجری ۲۵ میلیارد تومان سرقت کرده‌اند. بررسی‌ها نشان داد مرد تاجر همراه خانواده‌اش مسافرت بوده و وقتی به خانه برگشت، متوجه شده سارقان مقدار زیادی طلا، ارز، چند ساعت گرانقیمت و چند تخته فرش نفیس ابریشمی و تابلوفرش به ارزش

با به دست آمدن چهره یکی از سارقان، هویت او که سارق سابقه‌داری به نام پیمان بود، شناسایی و مشخص شد وی سرده‌بند سارقان است. سرخ به دست آمده خیلی زود مأموران را به باند سارقان فرش‌های نفیس رساند و در بررسی‌ها مشخص شد سارقان، باند هشت نفره‌ای هستند که فرش‌های نفیس سرقتی را از طریق یکی از همدستانشان که تبعه عراق است در کشور عراق می‌فروشند.

مأموران ابتدا پیمان و سپس هفت نفر از همدستان او را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهمان در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند. هشتیم، سابقه زیادی در برنده‌هایمان داریم، البته سابقه من از همه آنها بیشتر است و قبل از این پنج بار به اتهام سرقت بازداشت شده‌ام. آخرین بار یک سال قبل از زندان آزاد شدم و در میهمانی که با دوستانم گرفته بودم، این باند هشت نفره را تشکیل دادم. من سرده‌ست چاقو دست و پای او را با چسب پهن بندیدم و بعد اموالش را سرقت کنیم. در این مدت دوبار

در یک قدمی دستگیر شدن بودم، اما موفق شدم از دام مأموران فرار کنم و در یکی از فرارها به تعداد زیادی خودرو خسارت وارد کردم، اما در آخرین سرقت یک لحظه حواسم نبود و تقلم را از صورت برداشتم و خودم و اعضای باند را دودستی تقدیم پلیس کردم.»

متهمان پس از اعتراف راهی زندان شدند و از آنجایی که همگی دارای سوابق متعدد هستند و پس از آزادی هم دست به سرقت‌های سریالی زده بودند، باز پرس پرونده برای آنها مجازات حدی در نظر گرفت و در کیفرخواست صادر شده برای هشت متهم اشد مجازات در خواست کرد. بدین ترتیب اعضای این باند به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شوند.



مرد بدگمان به قتل همسرش اعتراف کرد

آرمن بینا



مرد جوانی که به اتهام قتل همسرش بازداشت شده بود در بازجویی‌ها مدعی شد به همسرش بدگمان شده و او را نیمه‌شب به قتل رسانده‌است.

صبح یکی از روزهای تابستان اسما ساکنان کوچ‌های در یکی از خیابان‌های شهری را صدای کمک‌خواهی مرد همسایه که مدام فریاد می‌زد «ای همسرم را کشتند» سراسیمه از خانه‌هایشان بیرون آمدند. همسایه‌ها وقتی به خانه مرد همسایه رفتند با جسد خونین زن جوان او روبه‌رو شدند که به قتل رسیده بود. همسایه‌ها با دیدن این صحنه، حادثه را به پلیس خبر دادند و دقایقی

شهری در محل حاضر شدند.

صحنه‌سازی

مأموران پلیس وقتی پای در قتلگاه زن جوان گذاشتند، مشاهده کردند او در خواب باصابت ضربه چاقو به گردنش به قتل رسیده‌است. همچنین تیم پزشکی قانونی هم اعلام کرد چند ساعتی از قتل زن جوان گذشته و به احتمال زیاد وی نیمه‌شب به قتل رسیده‌است.

مأموران پلیس در تحقیقات بعدی دریافتند همسر مقتول که شب قبل داخل حیاط خواب بوده وقتی صبح از خواب بیدار می‌شود و به داخل خانه می‌رود با این صحنه روبه‌رو می‌شود و با داد و فریاد از همسایه‌ها درخواست کمک می‌کند. همسر مقتول در ادعایی به مأموران گفت: «شب قبل هوا خیلی گرم بود، من تصمیم گرفتم داخل حیاط بخوابم و زن و فرزندم در خانه خوابیدند. صبح از خواب بیدار شدم و به داخل خانه رفتم. وسایل خانه به هم ریخته بود وقتی وارد اتاق خواب شدم، خون تمام سرامیک‌های کف اتاق را رنگین کرده بود. همسرم غرق در خون بود نفس نمی‌کشید و من هم با دیدن این صحنه داخل‌خواب همسایه‌ها درخواست کمک کردم. الان تصور می‌کنم به احتمال زیادی نیمه‌شب و زمانی که من خواب بودم سارق یا سارقانی وارد خانه‌ام شده‌اند و وقتی متوجه شدند همسرم از خواب بیدار شده و او را به قتل رسانده‌اند.»

پس از اظهارات شوهر مقتول، مأموران تحقیقات خود را با بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه ادامه دادند، اما دوربین‌ها رفت و آمد هیچ فردی از افرادی را به محل حادثه نشان ندادند. از سوی دیگر تحقیقات میدانی و گفته‌های همسایه و بستگان نزدیک مقتول نشان داد زن فوت شده شوهرش از مدت‌ها قبل با هم اختلاف داشته و صدای درگیری و مشاجره‌های لفظی آنها را بارها همسایه شنیده‌اند.

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران از فرزند خردسال مقتول تحقیق کردند و او به مأموران گفت شب حادثه پدرش را با چاقوی خونین بالای سر مادرش دیده‌است. شواهد و مدارک حکایت از آن داشت، مرد جوان قاتل همسرش است و با صحنه‌سازی قصد فریب مأموران را دارد.

اعتراف

بدین ترتیب همسر مقتول به عنوان مظنون به قتل بازداشت و به اداره پلیس منتقل شد. مرد جوان ابتدا جرم خود را انکار کرد و گفت در جریان قتل همسرش نیست، اما وقتی با شواهد و مدارک روبه‌رو شد به قتل همسرش اعتراف کرد. وی گفت: «من و همسرم چند سال قبل با هم ازدواج کردیم. زندگی‌مان خوب بود، اما از مدتی قبل به رفتارها و کارهای او مشکوک شدم.

همسر همیشه سرش به گوشی‌اش گرم بود و به من توجهی نمی‌کرد. بدگمانی به جانی افتاده بود و هر روز مرا آزار می‌داد، به طوری که مدتی همسر را به صورت نامحسوس زیر نظر گرفتم. همچنین تلفن همراهش را با چاک کردم و فهمیدم او با فردی از تباط تلفنی و پیامکی دارد. وقتی متوجه رابطه او با مردی غریبه شدم زندگی برایم سیاه شد، به همین خاطر تصمیم گرفتم از همسر انتقام بگیرم.»

خشم خونین

وی ادامه داد: «هر روز که می‌گذشت کینه‌ام از همسر بیشتر می‌شد، بنابراین تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم تا آرام شوم. البته چند باری به خاطر فرزند خردسال پشیمان شدم، اما خشم و کینه‌ام از او کم‌شدنی نبود و در نهایت نقشه قتلش را طراحی کردم و تصمیم گرفتم در خواب او را به قتل برسانم و بعد هم با صحنه‌سازی مأموران را فریب بدهم. شب حادثه به بهانه اینکه هوا گرم است داخل حیاط خوابیدم، اما همسر و فرزندم داخل خانه خواب بودند. نیمه‌شب از خواب بیدار شدم و چاقویی برداشتم و بالای سر همسرم رفتم. او خواب بود و من هم به شدت خشمگین و عصبانی بودم که ضربه‌ای با چاقو به گردنش زدم. فرزندم با فریاد همسر از خواب بیدار شد و چاقوی خونین را در دستم دید که او را ترساندم تا بخوابد و فرزندم خوابید. صبح وقتی از خواب بیدار شدم قسمت دوم نقشه را برای فریب مأموران اجرا کردم و با داد و فریاد از همسایه‌ها کمک خواستم و مدعی شدم سارق یا سارقانی همسرم را در خواب به قتل رسانده‌اند، اما در نهایت دستم رو شد و گرفتار شدم. الان پشیمان هستم، چرا که فهمیدم کارم اشتباه بود، چون فرزندم را بی‌پدر و مادر کردم.»

سردار علی ولیپور گوردزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره این حادثه گفت: همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، متهم با صدور قرار قانونی بازداشت موقت از سوی باز پرس پرونده به زندان منتقل شد. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۵۴۵۴۸۸

مشفودی
سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری فیدلیتی برایم مدل ۱۴۰۰ به شماره موتور* ۸۵۲*ACMJo۰۹۵۳*SQRE۴۲۱۵* و شماره شاسی* ۳۲۴۵*۱۰۰۳۲۴۵NAGC۱AB۴۹M۱ شماره انتظامی* ۳۹۱ص ۹۸ ایران ۳۰ بنام تیمور محمودی جاوید مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اسلامشهر